

منزلت اجتماعی نیروهای مسلح به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نظام اسلامی

دکتر محمدجواد الوندی

حامد ابراهیم آبادی

چکیده

مطالعه منزلت اجتماعی نیروهای مسلح، به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که از دو ویژگی منحصربه‌فرد (نسبت به ارتش‌های جهان)؛ مردمی و مکتبی بودن برخوردارند، بسیار حائز اهمیت خواهد بود؛ زیرا این امر جایگاه و منزلت اجتماعی آنان را در جامعه معین می‌کند. تمامی تحقیقاتی که تاکنون در خصوص پایگاه اجتماعی افراد و گروه‌ها انجام‌شده، عمدتاً با رویکرد مادی صورت گرفته است و تمامی مراتب و منزلت‌های اجتماعی گروه‌ها، افراد و مشاغل آنان نیز بر همین مبنا محاسبه و ارزیابی شده است. منتها از آنجاکه ماهیت نیروهای مسلح در نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس اعتقادات و معنویت اسلامی پایه‌گذاری شده است، در بررسی و ارزیابی منزلت اجتماعی این قشر نمی‌توان فقط به بعد مادی آن توجه کرد، بلکه جنبه مادی آن را می‌توان، به‌عنوان یک وجه برای نیروهای مسلح ایران در نظر گرفت. وجه دوم آن جنبه معنویت، ارزش و اخلاق والای اسلامی است که در تحقیق حاضر مورد توجه است.

بررسی و شناخت اینکه فرد شاغل در یک سازمان در ذهن خود چه جایگاه و منزلت اجتماعی را برای شغل خود قائل است و چه تصویری از این منزلت دارد، یکی از عوامل مهم در عملکرد، افزایش انگیزه خدمت، طیب خاطر، احساس مفید بودن برای جامعه، احساس مقبول بودن برای خانواده و در نهایت افزایش بهره‌دهی در سازمان را به دنبال دارد. بر کسی پوشیده نیست که عملکرد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در هشت سال دفاع مقدس موجب عزت، افتخار و موفقیت‌های بزرگ برای کشور بوده است و در صف اول مقابله با انواع تهدیدات و خطرات قرار می‌گرفتند و در سنگر سازندگی نیز شاهد خدمات عمرانی، آبادانی و سازندگی سپاه در دورترین نقاط کشور بودیم. ضمن آن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تلاش نموده است از ویژگی‌های معنوی و اخلاقی خویش نیز پاسداری نماید و خود را از این بعد هم نسبت به سایر نهادها و ارگان‌های دیگر حفظ نماید. ولایت‌مداری، انگیزه و روحیه معنوی و اخلاقی بالا، جوانمردی، شجاعت، شهادت‌طلبی، مردمی بودن، انعطاف‌پذیری و ... از نکات برجسته و عمده این نهاد است.

کلیدواژه‌ها: منزلت، قشربندی، منزلت اجتماعی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

مقدمه

همه گروه‌ها و طبقات اجتماعی از شأن، احترام و اعتبار خاصی برخوردارند، اما میزان و سهم این برخورداری مساوی و یکسان نیست. جامعه‌شناسان عقیده دارند علت نابرابری در منزلت اجتماعی گروه‌ها و طبقات اجتماعی به میزان بهره‌مندی از منابع ارزشمند و کمیاب جامعه نظیر ثروت، اقتدار، شخصیت، قدرت و ... بستگی دارد (کونین؛ ۱۳۷۸: ۱۷۸).

جایگاه و یا منزلت اجتماعی افراد و گروه‌ها در جامعه، میزان ارزش اعتبار یا احترامی است که افراد جامعه برای رفتار و خصوصیات آنان اعطا می‌کنند. افراد و گروه‌هایی که پایگاه بالاتر و ارزش‌های فرهنگی یا ایده‌آل‌های اجتماعی عرضه می‌کنند، در بین اقشار مختلف جامعه مقبول می‌افتند و ارزش‌های آن‌ها را به‌عنوان یک آرمان مطلوب آرزو می‌نمایند و تلاش می‌کنند به آن‌ها دست یابند. در هر جامعه نیروهای مسلح از دیدگاه قشربندی اجتماعی در جامعه از ارزش و اعتبار معینی برخوردارند. صرف‌نظر از عوامل به وجود آورنده، این ارزش‌ها، بیانگر عام‌ترین ارزیابی جامعه از شأن و احترام این قشر در میان سایر اقشار و درعین حال برآوردی واقع‌بینانه و به نسبت دقیق از پایگاه اجتماعی این شغل در میان سایر مشاغل است (رفیع‌پور؛ ۱۳۸۰: ۷۴).

تعریف منزلت

منزلت در لغت به معنی شأن، مقام، قدر، مرتبه و رتبه آمده است و از دیدگاه جامعه‌شناسی این اصطلاح به‌عنوان رتبه، پایگاه و موقعیت اجتماعی اشخاص، گروه‌ها و سازمان‌ها در مقایسه با یکدیگر به کار می‌رود (ساروخانی؛ ۱۳۷۶: ۳۴۶).

منزلت در متون جامعه‌شناسی معادل واژه پایگاه اجتماعی به کار رفته است و به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد در گروه یا مرتبه اجتماعی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر احراز می‌کند (کونین؛ ۱۳۷۸: ۸۳).

گیدنز در تعریف منزلت می‌گوید: ارج یا اعتبار اجتماعی که به گروه خاصی به وسیله اعضای دیگر یک جامعه داده می‌شود. گروه‌های منزلتی معمولاً دارای سبک زندگی خاصی هستند، یعنی الگوهای رفتاری ویژه‌ای که اعضای گروه از آن‌ها پیروی می‌کنند (گیدنز؛ ۱۳۹۳: ۷۸۷).

تعریف منزلت اجتماعی

منزلت، پایگاه اجتماعی است که فرد در میان یک گروه دارد. یا به مرتبه اجتماعی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر گفته می‌شود (رفیع‌پور؛ ۱۳۸۰: ۳۹۵).

به بیان دیگر، موقعیتی که یک فرد یا خانواده با ارجاع به استانداردهای میانگین رایج درباره ویژگی‌های فرهنگی، درآمد مؤثر، دارایی‌های مادی و مشارکت در فعالیت‌های گروهی - اجتماعی به دست می‌آورد (رفیع‌پور؛ ۱۳۸۰: ۳۹۸).

قشربندی اجتماعی

قشربندی اجتماعی، در ادبیات جامعه‌شناسی از واژگان زیست‌شناختی و زمین‌شناختی از ریشه «strata» به عاریت گرفته شده است که به لایه‌های روی هم چیده شده زمین اشاره دارد؛ اما در جامعه‌شناسی، همان‌گونه که گیدنز گفته است، به «نظام ساخت یافته‌ای از نابرابری میان گروه‌بندی‌های مختلف اجتماعی» اطلاق می‌شود (گیدنز؛ ۱۳۸۷: ۲۸۲).

از جمله مفاهیمی است که شباهت زیادی به پایگاه اقتصادی-اجتماعی دارد. هنگامی که صحبت از قشر اجتماعی است، منظور جای دادن اشیا یا گروه‌ها در یک خط ممتد است. قشربندی در دانش اجتماعی رده‌بندی گروه‌ها و افراد برحسب سهم آنان از دستاوردهای مطلوب و حائز ارزش‌های اجتماعی است. ماهیت این دستاوردها در همه جوامع یکسان نیست، اما اصولاً قدرت و ثروت پایگاه‌های موردنظرند (ساروخانی؛ ۱۳۷۶: ۲۶۳).

تفاوت پایگاه اجتماعی و قشر اجتماعی

از آنجا که شاخص‌های تعیین قشر اجتماعی دارای رابطه درونی و متقابل هستند، ثروت می‌تواند به عنوان یکی از شاخص‌های کسب مرتبه و منزلت اجتماعی و یا حتی اقتدار و قدرت به حساب آید و بالعکس؛ یعنی قدرت و منزلت اجتماعی نیز می‌تواند، مسیر دستیابی به ثروت را سهولت بخشد؛ بنابراین در اینجا با افزودن پایگاه اقتصادی-اجتماعی تفاوت چندانی بین این دو در نظر گرفته نمی‌شود.

قشربندی اجتماعی پدیده‌ای است که همه‌جا و همه‌وقت حضور دارد و با سایر نهادهای اجتماعی در ارتباط نزدیک است و پیامدهای شخصی در زندگی اجتماعی دارد (تامین؛ ۱۳۷۳: ۲۱).

قشربندی پدیده‌ای است اجتماعی که پیامدها و نتایج ویژه‌ای دارد و می‌توان آن‌ها را در دو مقوله بزرگ فرصت‌های زندگی و سبک زندگی جای داد. به عبارت دیگر با به دست آوردن فرصت‌های زندگی اجتماعی فرد، عواملی چون مرگ و میر کودکان، طول عمر، بیماری‌های جسمی و روانی، اختلافات خانوادگی، امکان دستیابی به تحصیلات عالی و غیره در سبک زندگی و عواملی همچون نوع

مسکن، محله مسکونی، نحوه گذراندن اوقات فراغت، فعالیت‌های فرهنگی و ... می‌توان به جایگاه فرد در جامعه پی برد (ملک؛ ۱۳۸۸: ۷۱).

منظور از قشربندی اجتماعی توزیع افراد هر گروه اجتماعی یا جامعه بر روی یک مقیاس موقعیت است. مراتب این موقعیت‌ها بر چهار معیار مبتنی است که عبارت‌اند از: قدرت، مالکیت، ارزیابی اجتماعی و پاداش روانی.

قدرت، توانایی رسیدن به هدف خود در زندگی، به‌رغم برخورد یا مخالفت احتمالی را دارد.

مالکیت معرف امکان تصرفی است که یک شخص بر اموال و بر خدمات دارد.

ارزیابی اجتماعی ما قضاوتی است که به‌موجب آن جامعه حیثیت، اهمیت، محبوبیت بیشتری به فلان موقعیت یا به فلان پایگاه اجتماعی می‌دهد و به‌طور کلی آن‌ها را به هر دلیلی به موقعیت‌ها و به پایگاه اجتماعی دیگر ترجیح می‌دهد (تامین؛ ۱۳۷۳: ۱۸).

قشربندی اجتماعی، وضعیتی است که افراد را بر پایه برخورداری آنان از کیفیت‌های مطلوب، رتبه‌بندی می‌کند.

در جوامع نوین، کیفیت‌های مطلوب عبارت‌اند از: تحصیلات خوب، درآمد بالا، ثروت چشم‌گیر و دارا بودن یک شغل آبرومندانه (کونین؛ ۱۳۷۸: ۱۷۹).

در تعریف قشربندی اجتماعی از نگاه دینی می‌توان چنین گفت: قشربندی اجتماعی، تفاوت افراد انسانی در میزان برخورداری از ویژگی‌ها و الگوهای معنوی و عقیدتی مثبت، مانند ایمان، تقوا، عمل صالح و ... است که به ایجاد مفاهیمی مانند

شرک در مقابل توحید، خداپرستی در مقابل هواپرستی، باتقوا در مقابل گنه کار و... می انجامد.

منزلت اجتماعی نیروهای مسلح در نظام اسلامی

در نظام اسلامی، نیروهای مسلح مظهر قدرت و مایه عزت و عظمت نظام و نشانه سربلندی و اقتدار جامعه اسلامی اند. هنگام نبرد، پایدار و جان برکف در برابر دشمن ایستاده، با گام‌های استوار و عزمی پولادین بر دشمن می تازند. امیرالمؤمنین^(ع) درباره جایگاه والای نیروهای مسلح فرمودند:

«نیروهای مسلح به فرمان خداوند، درهای استوار ملت، ارائه زمامداران، شکوه دین و راه‌های تحقق امنیت‌اند، قوام و ایستادگی ملت تنها به وسیله آنان ممکن است.»

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با اعتقاد به خدای یگانه و آگاهی و ایمان به اسلام بزرگ، در عصر انتظار بازوی توانمند ولایت فقیه در دفاع از حاکمیت مکتب‌اند تا آفتاب ولایت سرزند و پرچم هدایت را در جامعه جهانی به اهتزاز درآورند.

آنان با هدف مقدس جهاد در راه خدای بزرگ تحت زعامت مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، پاسدار آیین آسمانی اسلام و دستاوردهای گرانقدر انقلاب اسلامی‌اند و در این راستا دفاع از نظام اسلامی، حراست از قلمرو ایران اسلامی و برقراری امنیت و آرامش در جامعه و نیز کمک به مسلمانان و ستم‌دیدگان جهان را وظیفه خود می‌دانند (سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی^(ره)؛ ۱۳۷۷: ج سوم).

منزلت نظامیان از دیدگاه امام خمینی^(ه)

نیروهای مسلح از ارکان مهم ثبات سیاسی، اجتماعی و امنیتی ملت‌ها و جامعه‌های نظام یافته به شمار می‌آیند. از این رو دولت‌ها توجه به مسائل پیش رو را در برنامه‌های خود گنجانده، بخشی از درآمد ملی خویش را به پشتیبانی از آنان و آمادگی دفاعی اختصاص می‌دهند. رهبر فقید انقلاب اسلامی درباره جایگاه والای نیروهای مسلح می‌فرماید:

«حفظ استقلال، امنیت و بقای جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر کشور مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به قوای نظامی، ارتش و سپاه می‌باشد. تمام قوای مسلح باید بدانند که اسلام قوای مسلح را در رأس امور قرار می‌دهد و آن‌ها هستند که استقلال کشور را تامین می‌کنند» (سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی^(ه)؛ ۱۳۷۷: ج هفدهم).

آری، ارزش و امتیاز شاخص و برجسته نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در خدمت اسلام و پیرو اولیای الهی بودن، آنان است.

امام^(ره) در وصیت‌نامه الهی-سیاسی خویش فرمودند:

«قوای مسلح از ارتش، سپاه، نیروهای انتظامی، بسیج و عشایر ویژگی خاص دارند و نگهبان سرحدات و راه‌ها و شهرها و روستاها و بالاخره نگهداران امنیت و آرامش‌بخشان به ملت می‌باشند، می‌بایست مورد توجه خاص ملت و دولت و مجلس باشند.»

«شما آبروی اسلام و آبروی رسول خدا را در پیشگاه حق تعالی حفظ کردید و شما برادران موجب سرافرازی حضرت امام زمان (عج) در پیشگاه خدای تبارک و تعالی شدید، حماسه‌هایی که شماها آفریدید، قابل توصیف نیست و شما مستحق این هستید که امام زمان (عج) از شما توصیف کند، شماها موجب سرافرازی ملت شدید ما به وجود شما افتخار می‌کنیم» (صحیفه نور؛ ج ۱۳: ۱۰۲).

ارزش‌های معنوی

بنیان ارزشی نیروهای مسلح، اعتقاد به مکتب حیات‌بخش اسلام و محور آن خداآوری است که به برخی از شاخصه‌های آن اشاره می‌شود:

انگیزه الهی: امام (ره) در این باره فرمودند:

«انگیزه‌ای که در ارتش و در قوای مسلح ما و پاسدارها و همه نیروهایی که هست، نیروی دریایی، نیروی زمینی، نیروی هوایی و سایر نیروهایی که در ایران هستند، انگیزه آن‌ها یکی است و این که ما برای خدا داریم کار می‌کنیم» (صحیفه نور؛ ج ۱۳: ۱۰۲).

ایمان: ایشان (پاسداران و ارتشیان) را می‌ستایند و می‌فرمایند:

«این ایمان است که این‌ها را این‌طور کرده، آن پاسدار و آن ارتشی که در سنگر خودش نماز شب بخواند، این ارتش مثل شیر مقاومت می‌کند، برای اینکه برای خداست» (صحیفه نور؛ ج ۱۷: ۱۱۴).

پیروان مکتب عاشورا: بنیانگذار جمهوری اسلامی، نیروهای مسلح را پیروان

امام حسین (ع) می‌دانند و می‌فرمایند:

«جوانان رزمنده و شجاع ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح، پیروان شهید جاویدی هستند که تاریخ می گوید هر یک از جوانان او که به شهادت می رسیدند، رخسار مبارکش افروخته تر و آثار شجاعت و تصمیم در او بارزتر می گردید» (صحیفه نور؛ ج ۱۵: ۱۷۱).

سربازان بقیه الله (عج): برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی همین افتخار بس که امام^(ره) راحل آنان را سرباز حقیقی امام زمان (عج) معرفی می کنند و می فرمایند:

«مردم ایران، ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای نظامی و غیرنظامی برای حفظ اسلام و کشور اسلامی و رسیدن به لقاءالله دفاع می کنند. آنچه برای این جانب غرورانگیز و افتخارآفرین است، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت طلبی این عزیزان که سرباز حقیقی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه هستند، می باشد و این است فتح الفتوح» (صحیفه نور؛ ج ۱۵: ۲۳۵).

شهادت طلبی: امام خمینی^(ره) در این باره فرمودند:

«این روحیه ای که عقیده ایمانی اش این است که من اگر کشته شوم، یک توفیق است برای من و من می روم در جوار رحمت الهی، این روحیه است که ما را پیروز کرده و ارتش ما این روحیه را بحمدالله دارند و سایر قوای مسلح ما از قبیل پاسدارها و نیروی انتظامی.»

امام خمینی^(ره) فرمودند: ما بندگان خدا هستیم و در راه او حرکت می کنیم و پیشروی می کنیم. اگر شهادت نصیب شد، سعادت است و اگر پیروزی نصیب شد، سعادت است (صحیفه نور؛ ج ۱۷: ۳۶).

همین فرهنگ شهادت طلبی در بین مؤمنان و مجاهدان صدر اسلام بود که خواب را از چشمان مشرکان و کافران گرفته بود و از آنان مردانی پولادین، عاشق شهادت و شجاع ساخته بود و همین، موجب رعب و هراس دشمنان شده بود، به گونه‌ای که با وجود نفرات و تجهیزات فراوان، از مقابله با نیروهای اسلام می‌ترسیدند.

ایجاد روحیه شهادت طلبی و ایثار، به این دلیل در فضای مملو از معنویت در جبهه‌ها طبیعی و منطقی بود که بهره‌گیری نظام از مفاهیمی نظیر عاشورا و امام حسین^(ع) در حد اعلا می‌توانست پیروان را به گذشتن از جان خویش رهنمون سازد.

شهادت و شهادت طلبی از مفاهیم دوپهلویی در فرهنگ اسلامی است که به‌رغم پذیرش آسیب‌های ظاهری، در بلندمدت به پیروزی ختم می‌شود. امام خمینی^(ره) با توجه به قیام و شهادت امام حسین^(ع) چند روز قبل از شروع جنگ تحمیلی چنین گفته بودند: «با اوضاع فعلی جهان این‌یک استثنای تاریخی است که با مرگ و شهادت و شکست، مطمئناً هدف ما شکست نمی‌خورد» (صحیفه نور؛ ج ۹: ۴۵).

ساخته شدن مفهوم شهادت و شهادت طلبی با پیوند خوردن با عواملی مانند ایمان، اخلاص، صبر، اعتقاد به حیات جاوید و عروج به مقام ربوبی و نیز رهنمودها و هدایت امام خمینی^(ره) شکل گرفت و در کنار آن، یک فضای بین‌الذهانی مشترک در بین مردم ایجاد شد که به تعاملی تنگاتنگ بین آن‌ها بدل گردید و مردم بسیاری از کمبودها و نقصان‌ها را در عرصه نبرد با دشمن نادیده انگاشتند و با نیروهای معنوی در صدد رفع خطرات احتمالی برآمدند.

ایمان: امام خمینی^(ره) شهادت را مظهر ایمان به غیب و هدیه خداوند می‌دانستند و در این رابطه فرمودند:

«ایمان است که شمارا وادار می کند بروید و برای اسلام فداکاری کنید و ایمان است که مردم را در نبردها تا حد شهادت به پیش می برد بدون هیچ گونه هراسی و تا وقتی ایمان را حفظ کنید هرگز آسیب نخواهید دید» (صحیفه نور؛ ج ۱۶: ۲۷۲).

ایشان شهادت طلبی را ناشی از آگاهی به معاد و اعتقاد به جهان باقی می دانستند. از این رهگذر می گفتند که شهید به زندگی برتر از این دنیا نائل می گردد و زندگی پس از مرگ را نابودی نمی دانستند و می فرمودند: «در شهادت موت نیست. یک حیات جاوید است. زیربنای توحید است» (صحیفه نور؛ ج ۹: ۷۱).

اخلاص: امام^(ره) معتقد بودند که خلوص و معنویت، موجب نورانیت قلب و توجه به ارزش های معنوی می گردد و موجبات عنایت به سیاست های اخلاقی و پرهیز از سیاست های ریاکارانه را فراهم می سازد.

ایشان فرمودند: «شما این اخلاصتان و این شهادت طلبی و ایثار برای خداست که ارزش به شما داده است و این ارزش را هیچ معیاری نمی تواند اندازه گیری بکند» (صحیفه نور؛ ج ۱۶: ۱۳۰).

صبر و شکیبایی: امام خمینی^(ره) شهادت را مظهر بردباری و نیل به مقام صبر که از مراتب عالیه ایمان است تلقی نموده و این روحیه را موجب عدم شکست روحی و در نهایت پیروزی خون بر شمشیر می دانستند (صحیفه نور؛ ج ۹: ۷۰).

با ظهور انقلاب و به خصوص در جنگ تحمیلی، فرهنگ شهادت طلبی وارد گفتمان ایرانی شد. فرهنگی که در رأس آن، توجه و اتصال به خداوند قرار داشت. شهادت طلبی از فرهنگ عاشورا تأسی داشت تا مردم با یادآوری واقعه کربلا به مقابله با دشمن خارجی مشغول شوند؛ دولت هایی که تا قبل از انقلاب در جمع

خودی‌ها به حساب می‌آمدند و امروز به‌عنوان دیگری به حساب می‌آیند. با توجه به از بین رفتن منافع کشورهای غربی در ایران آن‌ها همواره خواستار نابودی این نظام و انقلاب بودند، ولی با توجه به حضور روح معنویت‌گرایی و فرهنگ شهادت‌طلبی در بین مردم و رهبری نظام، همواره ناکام ماندند. در این رابطه امام خمینی^(ره) می‌فرماید:

«دشمنان ما گمان می‌کردند با توطئه‌های فرسایشی می‌توانند نهضت اسلامی و انقلاب این ملت را به سردی و سستی سوق دهند، غافل از آنکه قیامی که برای خداست و نهضتی که بر اساس معنویت و عقیده است عقب‌نشینی نخواهد کرد. ملت ایران اکنون به شهادت و فداکاری خو گرفته است و از هیچ دشمنی و هیچ قدرتی و هیچ توطئه‌ای هراس ندارد. هراس را کسی دارد که شهادت، مکتب او نیست» (صحیفه نور؛ ج ۲: ۱۱).

بدون تردید، فرهنگ شهادت‌طلبی نه تنها برخلاف موازین انسانی و انسان‌دوستی نیست، بلکه از سر جوانمردی و پاسداری از این ارزش‌هاست. فرهنگ شهادت‌طلبی برای احیای معنویت در جامعه‌ای است که توجه به مسائل اخلاقی و معنوی از آن رخت بر بسته است. در جهان مادی‌گرای امروز دولت اسلامی ندای معنویت سر می‌دهد تا انسان‌ها احساس کنند که حیات آنان در این روحيات معنوی نهفته است و شهادت‌طلبی نیز از باب احیای این بعد در زندگی انسانی است. امام^(ره) در این رابطه فرمودند: «در راه خدا رفتن شهادت است و سرافرازی و تحصیل شرافت برای انسان و انسان‌ها» (صحیفه نور؛ ج ۱۳: ۶۵).

در جایی دیگر اشاره دارند: «آنهايي که حفاظت این کشور را می‌کنند، این روحیه را دارند که روحیه بسیار ارزشمندی است و شهادت‌طلبی و معنویت، عامل این روحیه است و مادامی که این روحیه باشد، کشور بیمه خواهد بود و این ارزش‌ها (شهادت‌طلبی) است که انسان را از اسارت و وابستگی به غرب و شرق نجات می‌دهد و به معنویات و تقرب خداوند می‌رساند» (صحیفه نور؛ ج ۱۱: ۲۶۶).

در هر صورت می‌توان گفت ملتی که شهادت دارد، اسارت ندارد. شهادت‌طلبی نشان‌دهنده این نکته است که به فعلیت رسیدن نیروهای الهی و معنوی و ارتقای توانایی می‌تواند ضعف‌های نظامی را جبران و آسیب‌پذیری‌های مادی را برطرف نماید. از این رو، شهادت‌طلبی را عامل تبدیل ضعف و بیمه نمودن نظام اسلامی از آسیب‌های ظاهری می‌توان دانست. بدون تردید، رمز پیروزی در تأکید بر تحول معنوی، باطنی و روحی یک ملت است که آن‌ها را با معیارهای مادی نمی‌توان اندازه‌گیری کرد. از این رهگذر باید گفت که قدرت و جنگ صرفاً با عوامل سخت‌افزاری و سلاح مادی قابل پیش‌بینی نیست و پیروزی از آن کسی خواهد بود که با منشأ قدرت مطلقه، یعنی خداوند متعال در ارتباط باشد.

در این رابطه امام^(ره) می‌فرمایند: «شهادت‌طلبی در راه خدا چیزی نیست که بتوان آن را با سنجش‌های بشری و انگیزه‌های عادی ارزیابی کرد» (صحیفه نور؛ ج ۱۷: ۱۳۷)؛ و در جای دیگر عنوان می‌کنند که:

این‌ها [شهادت‌طلبی] یک تحولات روحی بود که مردم در مقابل تانک و توپ با مشت خالی ایستادند و کشته شدند و جلو رفتند و این پیشروی‌ها در روی موازین طبیعی ممتنع به نظر می‌آمد (صحیفه نور؛ ج ۶: ۱۱۳).

این حس شهادت طلبی بود و این حس جلو آمدن برای اسلام و شهادت بود که ما را به پیروزی رساند (صحیفه نور؛ ج ۶: ۱۴۸).

آنچه مشخص است اینکه شهادت طلبی نه تنها موجب تحول در داخل کشور می شود، بلکه موجبات ایجاد موج اسلام گرایی و آزادی خواهی را در جهان فراهم خواهد آورد. طبق تئوری سازه انگاری که معتقد به بر ساختگی منافع و هویت و حتی قدرت به وسیله ایده هاست، باید گفت که ایده معنویت گرایی و شهادت طلبی روح خسته و مرده بسیاری از مردم و کشورهای جهان را بیدار کرده است و می تواند با ایجاد رابطه ذهنی قوی در بینشان به تعاملی مستحکم تبدیل گردد و مستضعفان را در راه مبارزه و مقابله با مستکبران یاری کند.

با توجه به این مسأله، ابر قدرت ها تلاش فراوانی را به عمل آوردند تا بتوانند سرمنشأ این موج شهادت طلبی یعنی اسلام را بخشکانند و آن را منزوی کنند، اما نه تنها موفق به این امر نشدند، بلکه دفاع شهادت طلبانه از منافع اسلامی موجب ترویج دین و تأثیر گذاری جهان اسلام و خیزش ضعیفان و نمایش قدرت مستضعفان و ضعف مستکبران شد.

ارزش های اجتماعی نیروهای مسلح

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در دل مردم جای دارند و از حمایت مردمی برخوردارند، زیرا در خدمت مردم و نظام اسلامی اند و همواره آماده دفاع از آرمان های بزرگ ملت سربلند ایران اند. برخی از جلوه های آن عبارت اند از:

رکن انقلاب اسلامی: امام^(ره) ارتش و سپاه را از ارکان انقلاب اسلامی شمرده و می‌فرمایند:

«امروز، شما نور چشم همه هستید و ما به وجود امثال شما باید افتخار کنیم و شما باید برای اسلام یک ارتش قوی و یک ارتش مستقل باشید. ارتش یکی از ارکان این کشور است و در این زمان پاسداران هم یکی از ارکان این کشور هستند» (صحیفه نور؛ ج ۱۳: ۱۰۱).

موجب بقای نظام: توانمندی نیروهای مسلح ضامن اقتدار نظام اسلامی است. امام بزرگوار در این باره می‌فرمایند:

«من از همه قوای مسلح چه ارتش، چه سپاه، چه نیروی انتظامی و چه سایرین باید تشکر کنم که با قدرت خود این جمهوری اسلامی را تثبیت کردند» (صحیفه نور؛ ج ۲۰: ۴۷).

ارزش‌ها و دفاع از ارزش‌ها در نظر امام خمینی^(ره) آن قدر اهمیت دارد که ایشان معتقدند که کشته شدن امام حسین^(ع) که بزرگ‌ترین فاجعه برای جهان اسلام و بشریت می‌باشد، به خاطر دفاع از ارزش‌های اسلامی است.

راه‌های دفاع و حفظ ارزش‌ها

دفاع در مقابل هر نوع حمله‌ای ابزار مخصوص می‌خواهد. اگر حمله نظامی باشد، ابزار نظامی لازم دارد و اگر حمله فرهنگی باشد، ابزار مخصوص به خود را لازم دارد. هدف از حمله به ارزش‌ها، بی‌پایه و اساس کردن ارزش‌های یک ملت است که به از خودبیگانگی و استعمار فرهنگی که خطرناک‌ترین نوع استعمار است، منجر

خواهد شد. پس حمله به ارزش‌ها به نوعی همان تهاجم فرهنگی محسوب می‌شود و هدف از تهاجم فرهنگی هم از دیدگاه امام خمینی^(ره) موارد زیر است:

- (۱) از خودیگانه کردن ملت‌ها؛
- (۲) نابود کردن اسلام یا از محتوا تهی کردن اسلام؛
- (۳) همانند آنان شدن یا همانند گرایی که دفاع از ارزش‌ها را وظیفه دو گروه عنوان می‌کند؛ یکی مسئولان و متصدیان نظام و دیگری عموم مردم.

نهادینه کردن امر به معروف و نهی از منکر

نهادینه کردن در جامعه‌شناسی عبارت است از تبدیل ایده‌ها به نقش‌ها و هنجارها. با تعیین نقش‌ها و الگوهای عمل در جامعه می‌توان یک ایده را از حالت انتزاعی خارج کرده و آن را به عینیت درآورد. در ذیل این موضوع را از نظر امام خمینی^(ره) مورد بحث قرار می‌دهیم.

«اسلام برای حفظ و دفاع از ارزش‌ها مسأله امر به معروف و نهی از منکر را مطرح می‌کند که از فروع دین می‌باشد و بر همه واجب است. امر به معروف و نهی از منکر دو اصلی است در اسلام که همه چیز را می‌خواهد اصلاح کند؛ یعنی با این دو اصل می‌خواهد تمام قشرهای مسلمین را اصلاح کند. به همه مأموریت داده به تمام افراد زیر پرچم مأموریت داده که باید وادار کنید همه را به کارهای صحیح و جلوگیری کنید از کارهای فاسد» (صحیفه نور؛ ج ۹: ۱۹۵).

امام^(ع) با تکیه بر این اصل قرآنی برای حفظ و دفاع از ارزش‌ها پیشنهاد تأسیس وزارتخانه امر به معروف و نهی از منکر را می‌کنند تا بتواند با قدرت بیشتری به خوبی وظیفه دفاع از ارزش‌ها را انجام دهد.

اصل امر به معروف و نهی از منکر در دیدگاه امام^(ع) یعنی نظارت همگانی، یعنی همه باید حافظ ارزش‌ها باشند، همه وظیفه دارند این ارزش‌های الهی را حفظ کنند. تفاوتی هم نمی‌کند، هر کس منکری را مرتکب شد که به معنی زیر پا نهادن ارزش‌هاست، باید به او تذکر داد و او را از جاده انحراف به راه راست کشاند.

ساده‌زیستی

یکی از راه‌های دفاع از ارزش‌ها، ساده‌زیستی است که خود دو جنبه دارد:

یکی مربوط به مسئولان نظام است و دیگری مربوط به توده مردم که هر دو به عنوان کلید اصلی حفظ ارزش‌ها محسوب می‌شوند. امام^(ع) عقیده دارند که:

«مهم‌ترین وسیله دفاع از ارزش‌ها ساده‌زیستی است و مردان بزرگ تاریخ که توانستند از ارزش‌های الهی دفاع کنند، به دلیل ساده‌زیستی آنان بوده است و اگر ملت ایران بخواهد بی‌خوف و هراس در مقابل باطل بایستد و از حق دفاع کند و ابرقدرت‌ها و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان را در روح شما اثر نگذارد و شمارا از میدان به درنکند، خود را به ساده‌زیستی عادت دهید و از تعلق قلب به مال، منال، جاه و مقام بپرهیزید» (صحیفه نور؛ ج ۱۹).

یکی از کارکردهای ساده‌زیستی جلوگیری از مصرف‌گرایی است. مصرف‌گرایی به خصوص برای کشورهایی که خود به اندازه کافی تولید ندارند و به اصطلاح

خود کفا نیستند، باعث وابستگی از یک طرف و اشاعه ارزش‌های کشور تولیدکننده به وسیله ورود کالاها از سوی دیگر می‌شود. ورود ارزش‌های دیگر یعنی اضمحلال و نابودی ارزش‌های کشورهای مصرف‌کننده. وقتی جامعه‌ای به ساده‌زیستی عادت کرد، به راحتی می‌تواند در مقابل دنیای استکبار بایستد و از ارزش‌های خود دفاع کند.

اقتدار

«قدرت هنگامی مشروعیت می‌یابد که افرادی که قدرت را در دست دارند، از اقتدار لازم برخوردار باشند. اقتدار اعمال قدرت را باید مردم واگذار کرده باشند و قاعدتا باید در مدارک مکتوب خاصی از قبیل قانون اساسی یا در مصوبات هیأت قانون‌گذاری کشور قیدشده باشد» (توسلی؛ ۱۳۸۵: ۱۱۶).

اقتدار می‌تواند اشکال مختلف داشته باشد، مانند:

اقتدار قانونی: این نوع اقتدار ناشی از مقامی است که فرد در اختیار دارد و تا زمانی که این مقام باقی است، از این اقتدار برخوردار است. همانند رئیس یک بخش علمی در یک دانشگاه که بسیاری از موارد اقتدار تعیین برنامه‌های درسی را برای هیأت علمی دارد، اما این اقتدار از مقام او ناشی می‌شود و نه صرفاً از شخص او.

اقتدار سنتی: این نوع اقتدار بر این باور مبتنی است که شیوه‌های سنتی تفویض قدرت مقدس‌اند. اقتدار سنتی ممکن است هم به سمت و هم به شخصی که آن را سیمت را اشغال کرده است، واگذار شود.

پایگاه اجتماعی پاسداران

پایگاه اجتماعی: خاستگاه و طبقه‌ای که عمدتاً پاسداران از آن برخاسته‌اند و در آن رشد پیدا کرده‌اند.

پایگاه فرهنگی - مذهبی یا فرهنگی - دینی: پایگاه اعتقادی است که عمدتاً پاسداران بر اساس آن زندگی اجتماعی خود را شکل داده‌اند و بر مبنای یافته‌های آن عمل می‌کنند و برحسب آن به دفاع از نظام اسلامی و عضویت در یک نهاد نظامی - امنیتی - فرهنگی چون سپاه پاسداران پیوسته‌اند و در آن خدمت کرده و می‌کنند.

پایگاه و منزلت اجتماعی اعضای سپاه پاسداران به عنوان زیرمجموعه‌ای از قشر نظامیان، از بدو تولد تاکنون فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذاشته است که می‌توان آن را به سه دوره یا مقطع به شرح زیر تقسیم نمود:

- از تأسیس تا آغاز جنگ تحمیلی؛

- دوران دفاع مقدس؛

- پس از جنگ تا به امروز.

در مقطع پیش از آغاز جنگ، سپاه پاسداران همانند هر سازمان نوپا که دوران کودکی خود را سپری می‌کرد، با ساختی کاملاً مسطح و فاقد نظام سلسله مراتبی به دنبال تثبیت فلسفه وجودی و سازماندهی خویش بود و با رویکردی عمل‌گرا، در نوک پیکان مبارزه با ضدانقلاب داخلی در کنار سایر نیروهای مسلح فعال گردید. در این دوره، در وهله نخست به دلیل علاقه و احترامی که جامعه به طور کلی نسبت به نهادهای انقلاب از خود نشان می‌داد و در مرتبه بعد به دلیل نقشی که سپاه در تأمین امنیت مردم و جامعه ایفا می‌نمود، همه اعضای سپاه از احترام و منزلت اجتماعی بالا

برخوردار شدند که همگان مصادیق آن را در مراودات اجتماعی آن روز جامعه به خوبی به یاد دارند.

در دوره دوم و با شروع جنگ تحمیلی، سپاه با تمامی توان خویش در جبهه‌ای دیگر حراست از انقلاب را دنبال و درگیر جنگ گردید. در این مقطع سپاه بنا به مقتضیات نیازهای جنگ گسترش طولی و عرضی بسیار سریعی را تجربه نمود.

در این دوران سپاه با نشان دادن دو ویژگی اصلی مراحل رشد و بلوغ و چرخه حیات سازمانی، یعنی کارآفرینی و توان فرماندهی در سازماندهی بسیج و اداره جنگ، در اندک مدتی نقش اصلی و جایگاه ویژه‌ای در عرصه دفاع مقدس پیاده نمود.

بدین ترتیب سپاه در دوران دفاع مقدس در کنار دفاع برون‌مرزی، مبارزه با ضدانقلاب داخلی و اداره ارتش بیست‌میلیونی که سطح تماس سپاه و اعضای آن با جامعه در گسترده‌ترین مفهوم آن بود را بر عهده گرفت و به دلیل اهمیت محوری امنیت و جنگ و سرنوشت آن برای مردم و نظام کارکردهایش، از نمایانی و حساسیت بسیار زیادی برای سطح نهادی-اجتماعی یا جامعه برخوردار شد و این مفهوم ارتقا ارزش و منزلت سپاه و اعضا آن در میان اقشار گوناگون جامعه بود و باعث شد تا سپاه به جایگاه ویژه‌ای بیش از آنچه نهادهای انقلاب دارا بودند دست یابد، اما آنچه موجب ارتقا بیش‌ازپیش پایگاه اجتماعی پاسداران در این مقطع شد، نسبت سپاه و اعضای آن با انقلاب و نظام ارزشی حاکم بر جامعه بود. با توجه به ماهیت انقلاب و نظام برخاسته از آن، باورهای مذهبی و انقلابی که در جامعه آن روز از ارزش و احترام فراوانی برخوردار بودند، با حماسه‌های دفاع مقدس و جو معنوی حاصل از آن به اوج رسیدند و به تبع آن پاسداران که در جامعه سمبل قشر

مذهبی و انقلابی بودند، به دلیل نزدیکی به نظام و ارزش‌های آن از پایگاه و منزلت اجتماعی ممتازی برخوردار شدند.

در بررسی منزلت اجتماعی اعضای سپاه، سومین دوره که با پایان جنگ تحمیلی آغاز شده و همچنان ادامه دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آنچه در این مقطع بیش از هر عامل دیگری بر ارزش و احترام اجتماعی پاسداران تأثیر گذاشته، تحولاتی است که جامعه در طی این دوره در ابعاد گوناگون با آن مواجه شده و تغییر در ساخت و کارکرد سپاه تأثیر آن را دوچندان کرده است.

پایان یافتن جنگ تحمیلی موجب شد تا سپاه به بازنگری در کارکردها و تجدید ساختار و بهسازی خویش پردازد که از آن میان می‌توان به ورود گسترده سپاه به عرصه بازسازی، اقتصادی و نیز اجرای نظام درجات اشاره کرد.

از سوی دیگر طی دهه پس از جنگ، جامعه ما تحولات سیاسی و اجتماعی متعددی را تجربه کرد. اقدامات دولت از سال ۱۳۶۸ در زمینه اقتصاد و آموزش، افزایش نابرابری، نمایش ثروت و نیاز آفرینی را به دنبال داشت که در نهایت به تغییر تدریجی نظام ارزش‌های جامعه منجر شد.

عوامل مؤثر بر منزلت اجتماعی پاسداران

بررسی سیر تحول پایگاه اجتماعی پاسداران به‌طور ضمنی برخی از عوامل و متغیرهای تأثیرگذار را مورد تأکید قرار داد. بر این اساس و در ادامه با توجه به ویژگی‌های خاص پاسداران و حرفه پاسداری با دقت بیشتری به تشریح این عوامل می‌پردازیم.

نخستین عاملی که در این زمینه می‌توان مطرح کرد، پیشینه خانوادگی و ویژگی‌های فردی پاسداران است؛ این مبحث به پایگاه فرهنگی - دینی بازمی‌گردد. اعضای سپاه هرچند از اقشار گوناگون جامعه برگزیده شده‌اند، اما از نظر ویژگی‌های خانوادگی و تبار اجتماعی شباهت‌هایی به هم دارند. وضعیت اقتصادی، میزان دارایی و ثروت و سطح درآمد خانواده پدری پاسداران، وضعیت اجتماعی - فرهنگی خانواده پدری و از آن میان سطح تحصیلات والدین، نسبت خانوادگی، عقاید و ارزش‌های مورد توجه و میزان پابندی و ارتباط با انقلاب و نظام و ارزش‌های آن در مجموع ابعاد ویژگی فردی، اجتماعی و فرهنگی خانواده پاسداران را نشان می‌دهد.

این عوامل در مجموع و در فرآیند رشد اجتماعی شدن اعضای سپاه، پیش از ورود آن‌ها به شغل پاسداری شکل‌دهنده شخصیت و صفات فردی اعضای سپاه است. خصوصیات اعتقادی، اخلاقی و رفتاری پاسداران پس از ورود به سپاه، در تعامل با فرهنگ سازمانی سپاه موجودیتی واحد پیدا می‌کند و به مرور زمان مجموعه‌ای از ویژگی‌های فردی را برای اعضای سپاه رقم می‌زند که اغلب از سوی جامعه به همین عنوان به رسمیت شناخته می‌شود.

عامل دیگری که در منزلت اجتماعی این قشر تأثیر می‌گذارد، ویژگی‌های این حرفه است که در مجموع بیانگر تشخص حرفه‌ای آن است. تشخص حرفه‌ای عبارت است از احترام و تحسینی که جامعه برای هر شغل یا حرفه قائل می‌شود.

این احترام و منزلت متأثر از ویژگی‌های و ابعاد گوناگون شغل یا حرفه و از آن جمله ماهیت، اهمیت، سهولت تصدی و درجه تخصصی بودن شغل یا حرفه است.

ماهیت اصلی مشاغل پاسداران صرف نظر از محتوای آن، نظامی است و این امر به معنی همراه بودن این حرفه با دشواری، حساسیت و در معرض خطر بودن است، هرچند این ابعاد در همه مشاغل سپاه یکسان جلوه نمی کند.

شیوه و گزینش اعضای سپاه، به ویژه تأکید بر تعهد و شایستگی های مکتبی و اولویت بخشیدن بدان، در مقایسه با تخصص و مهارت، میزان دسترسی آحاد گوناگون جامعه به این حرفه و به عبارت دیگر، سهولت تصدی آن را تحت تأثیر قرار می دهد.

عایدی این حرفه در مقام مقایسه با سایر مشاغل و حرف اعم از حقوق، دستمزد و سایر امکانات جنبی که اعضای سپاه از آن برخوردارند، در تشخیص این حرفه مؤثر است. از سوی دیگر سپاه از لحاظ نوع مأموریت خویش، همانند سایر سازمان های نظامی، مجموعه وسیع و متنوعی از مشاغل و حرف را در برمی گیرد که با توجه به دانش و مهارت های مورد نیاز، سطح مشخصی از تخصص شامل تحصیلات و تجربه را طلب می کند و این امر بر شأن و احترام این حرفه در جامعه مؤثر است.

ویژگی دیگر قابل ذکر در زمینه تشخیص پاسداری، اهمیت این حرفه و یا به بیان برخی، نمایندگی و حساسیت آن برای جامعه است. پاسداران صرف نظر از نوع مشاغلی که دارند، از اعضای نیروهای مسلح به شمار می روند. هرچند پاسداران و حرفه پاسداری وجوه تمایز روشن از سایر نظامیان (ارتشیان، نیروی انتظامی و...) دارد، اما به هر حال از سوی جامعه به عنوان بخشی از قشر نظامیان تلقی می شوند و از این جهت مشمول ارزش گذاری جامعه بر جایگاه و پایگاه نیروهای مسلح و نظامیان در جامعه است.

عامل دیگری که بر منزلت اجتماعی پاسداران تأثیر گذار است، نظام ارزشی حاکم بر جامعه است. به طور کلی همه نهادها متأثر از نظام ارزشی مسلط بر جامعه هستند و ارزش‌های محوری و اساسی، تقریباً در همه سطوح اجتماعی از فرد تا سازمان‌ها رعایت می‌شوند.

این تأثیرپذیری به‌ویژه زمانی که افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها خود در تأسیس یا حفظ آن‌ها نقش داشته باشند، بیشتر می‌گردد و این نکته‌ای است که در مورد سپاه و اعضای آن شاید بیش از هر نهاد و طبقه اجتماعی دیگر در جامعه مصداق دارد.

وابستگی و نزدیکی سپاه و اعضایش با نظام و ارزش‌هایش، منزلت اجتماعی پاسداران را بیش از دیگر اقشار با نظام ارزش‌های جامعه گره زده است و این امر در تعیین پایگاه اجتماعی سپاه پاسداران تأثیر به‌سزایی دارد.

آخرین نکته‌ای که باید به آن تکیه نمود و در مباحث گذشته نیز بدان اشاره شده است، بعد اعتقادی و فرهنگی سپاه است. سپاه از بدو تشکیل نه تنها یک سازمان نظامی، بلکه نهادی فرهنگی بوده و تا به امروز نیز این ویژگی را حفظ نموده است؛ ویژگی‌ای که در سایر نیروهای مسلح با ایجاد واحدهای عقیدتی-سیاسی سعی در ترویج و اشاعه آن شده است. بعد نظامی در نیروهای مسلح وابسته به ارزش‌های ملی چون دفاع از سرزمین و میهن بوده است. درحالی که پس از انقلاب، بعد اعتقادی و ارزشی و ارجحیت به دفاع از دین در مقایسه با سرزمین، جایگاه و منزلت نظامیان را به کلی دگرگون نمود. به بیان دیگر هنگامی که تنها دفاع از آب‌و‌خاک مطرح است، تنها معیار ورزیدگی نظامی در این حرفه مورد توجه قرار می‌گیرد. درحالی که دفاع از باورها و اعتقادات، مستلزم عینیت یافتن آن‌ها در رفتار نظامیان است؛ بنابراین

نگرش جامعه در ارزیابی پاسداران و انتظاراتی که از این قشر می‌رود، با آنچه در مورد سایر بخش‌های نیروهای مسلح صادق است، تفاوت دارد و این امر بر ارزیابی جامعه از احترام و ارزش این قشر مؤثر است.

نتیجه‌گیری

مطالعه، بررسی و شناخت دیدگاه پاسداران نسبت به منزلت اجتماعی خود در جامعه و شناخت تصویر دقیق ذهنی ایشان نسبت به شغل خود، اقدامی زمینه‌ساز برای مهندسی دقیق برنامه‌های آموزشی و تربیتی پاسداران و همچنین اطلاعاتی برای برنامه‌ریزی دقیق سازمانی به منظور پیشگیری از وقوع تعارضات روحی و روانی پاسداران در ارتباط با سازمان و تصدی مشاغل و پست‌هایی است که آن‌ها قبول کرده‌اند و نسبت به آن مسئولیت پذیرفته‌اند. پیشگیری و رفع تعارضات روحی و روانی در میان کارکنان سپاه می‌تواند در تمام ابعاد وظیفه و مسئولیت سازمانی ایشان مؤثر باشد و تحول اساسی در فرهنگ سازمانی، رفتار سازمانی، تعامل با خانواده و همکاران داشته باشد و در افزایش بهره‌دهی کار در سازمان و اثربخشی اقدامات متمرثمر باشد، به گونه‌ای که امید به آینده، پیشرفت سازمانی، سخت‌کوشی و ... را در سپاه پاسداران مطلوب‌تر کند؛ بنابراین، شناخت منزلت اجتماعی از منظر پاسداران در موارد دارای اهمیت است.

مطالعه منزلت اجتماعی نیروهای مسلح به‌طور عام و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌طور خاص مشخص می‌کند که کارکردها و نقش نیروهای مسلح پس از پیروزی انقلاب اسلامی دستخوش تحولی بنیادی شده است.

این تحول از یکسو ارزش و اهمیت این قشر را افزایش داده و از سوی دیگر انتظارات ویژه‌ای را از این قشر طلب می‌کند.

پیش از انقلاب نقش نیروهای مسلح فاقد جنبه‌های اعتقادی و ارزشی بود. پس از پیروزی انقلاب، نیروهای مسلح در کنار مردم به دفاع از آن‌ها و ارزش‌ها و باورهای آن‌ها پرداختند؛ نقشی که تبلور آن را می‌توان در سپاه پاسداران و اعضای آن جستجو کرد. علاوه بر این دفاع مقدس و نیز فراز و نشیب‌هایی که نظامیان ما از جمله پاسداران انقلاب طی دهه اخیر در عرصه سیاسی - اجتماعی با آن مواجه شدند، دلایلی است که مطالعه شأن و منزلت اجتماعی نیروهای مسلح به‌ویژه اعضای سپاه را به ضرورتی عینی مبدل می‌سازد.

همچنین باید توجه داشت که در زمان جنگ و به هنگام تهدیدهای خارجی ارزش‌های نظامی‌گری بر سایر سازمان‌ها و نهادها حاکم می‌شود و جامعه و دولت در خدمت خواست‌ها و نیازهای سیستم نظامی قرار می‌گیرند؛ بنابراین در هنگام بروز تهدیدها و بحران‌ها، ارزش و منزلت نیروهای مسلح به اوج خود می‌رسد و نظامیان از پایگاه اجتماعی ویژه‌ای برخوردار می‌شوند، اما پس از رفع تهدیدها به نظر می‌رسد که این منزلت معمولاً به دلیل زمینه کارکردی، متأثر و تحت‌الشعاع شرایط موجود قرار گیرد.

نکته‌ای دیگر در تبیین اهمیت این مطالعه آن است که هرگونه اقدام در جهت حفظ و بهبود منزلت اجتماعی نیروهای مسلح و پاسداران، مستلزم شناخت منزلت فعلی این قشر در جامعه است که متأسفانه مطالعات منسجمی در این زمینه انجام نشده است. در همین راستا و با توجه به عملکرد سپاه پاسداران در صحنه‌های مختلف

انقلاب به ویژه در طول هشت سال دفاع مقدس به نظر می‌رسد کارکنان سپاه از اعتبار و ارزش ویژه‌ای در سطح جامعه برخوردار شدند. به منظور تقویت، تحکیم و توسعه این اعتبار و ارزش‌ها، در این تحقیق سعی شده تا موقعیت و منزلت اجتماعی پاسداران از دیدگاه پاسداران مورد بررسی میدانی قرار گیرد که امید است نتایج به‌دست‌آمده بتواند در روند رشد و توسعه اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد؛ بنابراین، شناخت منزلت اجتماعی از منظر پاسداران در موارد ذیل ضرورت دارد:

سپاه پاسداران به‌عنوان یک نهاد انقلابی خودجوش، آن‌چنان موجودیتی پیدا کرده بود که هیچ‌کس نمی‌توانست آن را نادیده بگیرد. علاوه بر این، جذب این نیروی انقلابی در سازمان و تشکیلات درهم‌ریخته و در حال بازسازی ارتش نیز به دلیل تفاوت‌های فکری و نهادی، غیرممکن به نظر می‌رسید. بدین جهت بود که مجلس خبرگان با تصویب قانون اساسی و با درک مراتب پایداری، حراست و حفاظت از انقلاب اسلامی و دستاوردهای مهم آن بر موجودیت سیاسی و واقعیت اجتماعی آن صحنه گذاشت و بر تأسیس آن به‌عنوان یکی از نیروهای مسلح قانونی در اصل ۱۵۰ قانون اساسی، مهر تأیید نهاد؛ بنابراین سنجش منزلت اجتماعی آن از منظر پاسداران حائز اهمیت است.

سپاه پاسداران نهادی برآمده از مردم، در متن مردم و با مردم است. بر این اساس سنجش منزلت اجتماعی پاسداران می‌تواند زمینه‌ساز تصمیم‌سازی در پذیرش و تربیت و به‌کارگیری این نیروها متناسب با این هدف باشد.

انقلاب اسلامی ایران از مشارکت و مبارزه ایثارگرایانه و همه‌جانبه مردم شکل گرفت و حرکت کرد و به ثمر نشست.

یکی از زمینه‌های مشارکت مردم، همکاری و همیاری گروه‌ها و اقشار مستعد و مؤمن به انقلاب بود که با توانایی‌ها و امکانات محدود، قبل از پیروزی انقلاب، خود را برای جهادی که ممکن بود در پیش باشد، آماده کردند. بسیاری از آن‌ها در مبارزات مسلحانه جریان انقلاب به شهادت رسیدند و بسیاری دیگر در پیروزی انقلاب و استقرار نظام، بیشترین مساعدت‌ها را نمودند و بعد از پیروزی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تشکیل دادند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نگهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن را به عهده این نهاد مردمی و انقلابی گذاشته است. مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی، نظام مقدس جمهوری اسلامی است؛ بنابراین دفاع از این نظام نیز بر عهده سپاه پاسداران می‌باشد. دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن به‌طور مسلم محدود به دفاع از مرزها و دشمنان خارجی نیست، بلکه دفاع از انقلاب هم در مرزها و در داخل و شامل تمام ابعاد نظامی، امنیتی، سیاسی، فرهنگی و... است.

از آغاز تشکیل سپاه، یکی از وظایفی که این نهاد مقدس برای خود به رسمیت می‌شناسد، دفاع فرهنگی و تبلیغاتی از انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن است؛ زیرا نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن صرفاً محدود به مسائل نظامی، انتظامی و امنیتی نیست، بلکه دفاع همه‌جانبه از جمله دفاع در مقابل تهاجم فرهنگی است.

علاوه بر این، در حال حاضر تهدیدها را به سه دسته تهدیدهای سخت (نظامی) تهدیدهای نیمه سخت (امنیتی) و تهدیدهای نرم (فرهنگی - تبلیغاتی)

تقسیم می کنند. بدیهی است با توجه به این گونه تهدیدها (فرهنگی)، دفاع در مقابل آنها نیز لازم و ضروری است. از این رو، یکی از وظایف ذاتی سپاه، دفاع فرهنگی و تبلیغاتی از انقلاب و دستاوردهای آن در داخل و خارج از کشور است؛ زیرا راه مهم مقابله با تهدیدهای فرهنگی، دفاع با روش های فرهنگی و تبلیغاتی است.

اینک سپاه پاسداران چه در حوزه فرماندهی و چه در حوزه نمایندگی ولی فقیه بر اساس ابلاغیه ها و تدابیر و رهنمودهای مقام معظم رهبری کارهای فرهنگی انجام می دهد. این امر نشان می دهد که وظیفه سپاه، صرفا دفاعی نظامی، انتظامی و یا امنیتی نیست، بلکه دفاع در مقابل تهدیدهای فرهنگی هم از جمله وظایف و مأموریت های این نهاد مقدس است.

کتابنامه

- ۱) کوین، بروس (۱۳۷۸)، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، نشر توتیا.
- ۲) رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۰)، آناتومی جامعه، تهران، نشر دانشگاه.
- ۳) ساروخانی، باقر (۱۳۷۶)، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، مؤسسه کیهان، تهران
- ۴) گیدنز، آنتونی، با همکاری کارن بردسال (۱۳۹۳)، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی
- ۵) گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، تهران، چاپ سوم
- ۶) تامین، ملوین (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات توتیا
- ۷) ملک، حسن (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور
- ۸) منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۷۷)، سیری در اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی^(ه)، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، مدیریت ادبیات و انتشارات
- ۹) امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸)، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ه)
- ۱۰) توسلی، غلامعباس (۱۳۸۵)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات سمت